

واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه)


سمیه حمیدی (نویسنده مسئول)^۱


زینب قاسمی^۲

چکیده

ژنوم ژئوپلتیک، نقشه جغرافیای سیاست است و برخاسته از جغرافیا که سیاست خارجی یک کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. سوریه به دلیل تقابل وکنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست یه منطقه استراتژیک است. شناخت ژنوم ها و کدهای ژئوپلتیک موجود در کشورهای همسایه، می تواند نقش مؤثری در بکارگرفتن سیاست خارجی هم راستا با وزن ژئوپلتیک سوریه ایفا نماید. رژیم صهیونیستی از جمله همسایه های سوریه است که تعارضات رژیم صهیونیستی با سوریه را نه تنها از زاویه تعارضات ایدئولوژیک، بلکه از زاویه تعارض ژنوم ژئوپلتیک و اهداف توسعه طلبانه این کشور می توان بررسی نمود. (مسئله) سوال نوشتار حاضر بر این اساس است که ژنوم های ژئوپلتیکی رژیم صهیونیستی و سوریه چه نقشی در سیاست خارجی واگرا و تقابلی شان داشته است؟ (سوال) فرضیه این نوشتار بر این اساس است با توجه به موقعیت ژئوپلتیکی سوریه و وجود ژنوم های تقابلی در ساخت ژئوپلتیکی دو کشور مطالعه ژنوم های ژئوپلتیک این کشورها برای جهت شناسی سیاست خارجی شان ضروری است. (فرضیه) با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از نظریات ژئوپلتیک و تحلیل درون مایه های ژئوپلتیک سوریه و رژیم صهیونیستی، پیوند ژنوم آب و زمین را بر سیاست خارجی تنش زا میان دو کشور رژیم صهیونیستی و سوریه مورد بررسی قرار دهد. (روش) رویکرد بحران زا و تعارضی رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه ریشه در ژنوم ژئوپلتیک دارد که این امر در تحلیل مداخلات رژیم صهیونیستی در بحران سوریه نیز مصداق دارد. (یافته ها)

کلیدواژه ها: سیاست خارجی، ژنوم ژئوپلتیک، سوریه، رژیم صهیونیستی، هیدروپلتیک.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
Somaye.hamidi@birjand.ac.ir  <https://orcid.org/0000-0002-9879-056x>

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
Zeynab.ghasemi1990@gmail.com  <https://orcid.org/0000-0003-2317-353x>

مقدمه

ژئوپلتیک اثر محیط و شکل یا پدیده‌های محیطی چون موقعیت جغرافیایی، شکل سرزمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و وسایل ارتباط جمعی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌ویژه در سطح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸). ژنوم ژئوپلتیک را نقشه عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی اثرگذار بر عرصه سیاست دانسته‌اند. ژنوم‌ها حاصل شرایط جغرافیایی یک کشور هستند که دستگاه سیاستگذاری بویژه در حوزه سیاست خارجی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷). شناخت این ژنوم‌ها به‌عنوان واقعیات موجود در بستر ژئوپلتیک کشورها از سویی به دولت‌ها در اتخاذ یک سیاست خارجی پویا و موثر بر مبنای رویکردی واقع‌گرایانه کمک می‌کند و از سوی دیگر دولت را در ادراک نقاط قوت و ضعف همسایگان و زمینه‌های اتحاد و ائتلاف با آنان یاری می‌رساند. در واقع این عامل روشن‌کننده مسیر سیاست خارجی کشورهاست که هم واقعیات موجود را برای آن‌ها ترسیم می‌کند و هم سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلتیک را برای آن‌ها رقم می‌زند.

شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه‌ساز یکی از راهبردی‌ترین چالش‌های امنیتی در خاورمیانه شده است و پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به همراه داشته است. آنچه باعث تعمیق دامنه بحران در این کشور شده؛ نقش آفرینی مستقیم و غیرمستقیم بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در تحولات میدانی سوریه بوده است. در این راستا رژیم صهیونیستی به دلیل موقعیت ژئوپلتیکی سوریه کنش قابل توجهی در بحران سوریه داشته است. از جمله اهداف رژیم صهیونیستی دستیابی به اراضی موعود سرزمینی از نیل تا فرات است. مساله نوشتار حاضر بر این اساس است که ژنوم‌های ژئوپلتیکی چه نقشی در توسعه سیاست خارجی بحران‌زای رژیم صهیونیستی با سوریه دارند؟ فرضیه این نوشتار بر این اساس است که وجود ژنوم‌های تقابلی در ساخت ژئوپلتیکی دو کشور از دلایل بروز سیاست خارجی تنش‌آفرین در روابط دو کشور بوده است. ژنوم‌های ژئوپلتیک هر کشور منحصر به فرد و متفاوت با کشور دیگر است که سبب می‌شود توان تاثیرگذاری کشورها در عرصه سیاست خارجی با یکدیگر متفاوت باشد. تعامل یا تقابل کدهای ژئوپلتیک یک کشور با کشور همسایه به‌وجود آورنده فضای استراتژیک کنش‌های سیاسی در قالب دوگانه‌های صلح/جنگ، منازعه/همکاری و همگرایی و واگرایی در

عرصه نظام بین الملل می شود. ژنوم ژئوپلیتیک را به مثابه نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور تعریف می کنند که جهت دهنده به نحوه رفتار و عملکرد بازیگران در نظام بین الملل است. از این نگاه همان گونه که انسان ها مطابق نقشه ژنتیکی خود در عرصه زندگی عمل می کنند و استعدادهایی را از خود بروز می دهند، کشورها نیز مطابق ژنوم های ژئوپلیتیک خود راهبری می شوند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ژنوم های ژئوپلیتیک عامل همگرایی یا واگرایی کشورها در عرصه روابط بین الملل هستند. از این رو میزان و نوع کدهای ژئوپلیتیک و میزان مطابقت آن با ژنوم های کشور همسایه سبب ساز اتخاذ رویکردهای تعاملی یا تقابلی در سیاست خارجی کشورها هستند.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت هر چند در باب اهمیت جایگاه ژئوپلیتیک در سیاست خارجی تاکنون پژوهش های متعددی انجام شده است؛ اما در باب تاثیر ژنوم های ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی که بر ساخته ای نوآورانه است، تنها می توان به طرح پژوهشی «پیوندکد/ژنوم ژئوپلیتیک و سیاست خارجی: ایران و همسایگان» (خلیلی، ۱۳۹۱) و مقالات مستخرج از این طرح اشاره کرد. در خصوص تاثیر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و سوریه نیز اگرچه تاکنون مقالات بیشماری نوشته شده است؛ اما پژوهش مستقلی در باب تاثیر کدهای ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی دو کشور انجام نشده است.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربرد فراوان دارد، اما معانی و تعاریف متنوعی را در بر می گیرد. در ژئوپلیتیک بررسی رابطه انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا یا ریشه های جغرافیایی قدرت ملی و میزان امکان تغییر عوامل زیست محیطی در جهت رفع نیازهای انسانی و ملی و اثر آن در سیاست ملل بررسی می شود (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲۸). به عبارتی دیگر ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه پدیده های سیاسی بر اساس رابطه فضایی و مکانی آن ها و همچنین وابستگی و تأثیرشان بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی که موضوع علم جغرافیای انسانی به طور عام می باشد. بنابراین نظریه پردازان ژئوپلیتیک استدلال می کنند که عوامل و عناصر جغرافیایی هر کشور نقش تعیین کننده ای در قدرت ملی و جهت گیری سیاست خارجی آن دارد. آن ها رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط

و وضعیت جغرافیایی می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاستگذاران ملی را در چهارچوب الزامات ژئوپولیتیک تحلیل می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲).

کد ژئوپلتیک عبارت است از دستورکار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کدهای ژئوپلتیک مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است که این کدها مختص همان کشور است. کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به اهداف خود کدهای ژئوپلتیک دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. ژنوم ژئوپلتیک به عنوان یک کد ژئوپلتیک از طرف کشور رقیب دانسته می‌شود که سعی در خنثی کردن آن دارد. حجم قابل توجهی از سرچشمه‌های قدرت به ژئوپلتیک یک کشور مربوط است. ژنوم ژئوپلتیک واقعیت‌های جغرافیایی را بنا بر نقش مثبت و منفی و اهمیتی که می‌تواند در عرصه سیاست خارجی داشته باشند مورد توجه قرار می‌دهد.

کبیوتزها که یکی از ژنوم‌های اثرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی است برای اولین بار ۳۸ پیش از تأسیس رسمی اسرائیل یعنی در سال ۱۹۱۰ میلادی و در کنار دریاچه طبریه توسط یهودیان روسیه که به دلیل اذیت روسیه تزاری به قیومیت بریتانیا به فلسطین مهاجرت کرده تأسیس شدند. کبیوتزها به معنی دهکده اشتراکی است و از روی مدل پوشاو، نخستین مهاجر یهودی، در سرزمین فلسطین ایجاد شد. بعد از تشکیل دولت رژیم صهیونیستی، با ویران ساختن روستاهای عرب‌نشین و آواره کردن مردم اصلی سرزمین فلسطین و راندن آن‌ها به اردوگاه‌ها کبیوتزها گسترش یافت. کبیوتزها اغلب در مناطقی تشکیل شد که اهمیت استراتژیک داشت تا از یک طرف رژیم صهیونیستی بتواند جامعه‌ای یکدست (مذهبی - نژادی) ایجاد کند و از طرف دیگر جلوی مقاومت مردم عرب روستاهای فلسطینی را بگیرد (پورقمی، بی تا، ۱۴-۱۳).

ژنوم‌های اثرگذار بر سیاست خارجی بحران‌زا و تهاجمی رژیم صهیونیستی

۱. موقعیت استراتژیکی

رژیم صهیونیستی با حمله و قتل عام وسیع و بی‌رحمانه در سال ۱۹۴۸ ظهور یافت و از این تاریخ به بعد مستقیماً درگیر یک جنگ گسترده با جهان عرب گردید. ماهیت تجاوزکارانه تأسیس این رژیم و دغدغه کشورهای اسلامی برای نجات فلسطین و احقاق حقوق مردم ستمدیده از همان ابتدا سبب شکل‌گیری سیاست خارجی متعارض میان رژیم صهیونیستی و همسایگانش

شد. از جمله مسائل مورد اختلاف میان رژیم صهیونیستی و سوریه مساله بلندی‌های جولان است که رژیم صهیونیستی این مناطق را در حمله گسترده‌ای از ۱۹۶۷ اشغال نمود (علیخانی، ۱۳۷۹، ۲:). سوریه همچنان برای الحاق این مناطق تلاش می‌کند و این امر یکی از پایه‌های اساسی سیاست خارجی این کشور است.

۲. کیبوتزها

رژیم صهیونیستی از نخستین سال‌های تأسیس خود به سبب ناهمگونی و نارسایی وسایل و امکانات تلاش نمود شیوه خاصی از توسعه را در پیش بگیرد. روستاهای رژیم صهیونیستی که روستاهای موزونی هستند با پیشرفته‌ترین روستاهای دنیای غرب برابری می‌کنند. کیبوتزها که بوسیله نخستین مهاجران یهودی در سرزمین فلسطین ایجاد شد؛ بعد از تشکیل دولت رژیم صهیونیستی، با ویران ساختن روستاهای عرب‌نشین و آواره کردن مردم اصلی سرزمین فلسطین و راندن آن‌ها به اردوگاه‌ها و کیبوتزها گسترش یافت. کیبوتزها از یک خصوصیت اساسی دیگر نیز برخوردارند و آن اینکه همه چیز کیبوتز، مال همه اهالی آن جامعه است و در عین حال مال هیچ یک از آنها نیست؛ یعنی پایگاه‌های واقعی هستند که در مواضع استراتژیک، پیوسته برای جنگ آمادگی دارند. اصل بر این است که کیبوتزها خود نیازهای اولیه زیستی و حتی نظامی خود را در حد مقدور تأمین کنند و بتوانند هر آن به یک دژ نظامی درآیند (پور قمی، بی تا: ۱۳). در واقع این سازه قابلیت کاربرد دوگانه نظامی و زیستی دارد.

۳. لابی صهیون

چنانچه پیشتر گفته شد کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ژنوم ژئوپلیتیک واقعیت‌های جغرافیایی را بنا بر نقش مثبت و منفی و اهمیتی که می‌توانند در عرصه سیاست خارجی داشته باشند مورد توجه قرار می‌دهد. در حوزه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می‌توان گفت لابی صهیون به مثابه یک ژنوم ژئوپلیتیک با تاثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا نقش مهمی ایفا می‌کند. لابی صهیون صرفاً یک گروه محدود نیست؛ بلکه مجموعه‌ای با شاخه‌های متعدد است. رژیم صهیونیستی از همان آغاز شکل‌گیری با پی بردن

به اهمیت این جریان در سیاست خارجی آمریکا در صدد فعال‌تر نمودن آن برای بهره‌گیری از نیروی آمریکا جهت تاثیرگذاری بیشتر در منطقه بود. این سازمان یهودی در آمریکا مستقیماً با کاخ سفید در ارتباط است. اعضاء لابی عموماً با استفاده از توانایی‌های شخصی و حرفه‌ای بالای خود، با یهودیان مقیم آمریکا همکاری دارند و نشست‌هایی را با رئیس‌جمهور و دیگر دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا در امور خاورمیانه ترتیب می‌دهند (استیری، ۱۳۸۰: ۴۷).

در همین زمینه مناقشه رژیم صهیونیستی و سوریه به‌خصوص پس از انتخابات جرج بوش و افزایش قدرت نومحافظه‌کاران که اکثر آنان یهودی بوده و حامی سرسخت رژیم صهیونیستی می‌باشند بیشتر نمایان شده است. تغییر رژیم در عراق نتیجه تلاش و برنامه‌ریزی گسترده نومحافظه‌کارانی بود که به حمایت از رژیم صهیونیستی صورت گرفت. این نومحافظه‌کاران در گزارش تغییر جهت کامل که برای نتانیاهو در ۱۹۹۷ فرستاده بودند، خواهان تغییر رژیم سوریه شده بودند (روحی، ۱۳۸۸: ۷۴). به عقیده بسیاری از کارشناسان آمریکایی صلح بین رژیم صهیونیستی و سوریه مشکلات بسیاری را در مورد سوریه حل خواهد کرد و باعث خواهد شد که سوریه حمایت خود را از گروه‌های تروریستی پایان دهد. همچنین مانع از تلاش‌های این کشور برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی شود. بعد از ۱۱ سپتامبر و ۸ ماه پس از اشغال عراق در پی شرایط استراتژیک منطقه، بشار اسد به از سرگیری مذاکره با رژیم صهیونیستی ابراز تمایل کرد. برخی از جمله سیلویان شالوم، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، و افرادی در وزارت دفاع به رژیم صهیونیستی توصیه کردند که این پیشنهاد را بپذیرد. اما برخی دیگر این پیشنهاد را یک تغییر تاکتیکی از سوی اسد دانسته و عنوان کردند با این نشانه مثبتی که بشار اسد از خود نشان داده است باید تحت فشار قرار گرفته شود. جرج بوش و شارون نیز با شک و تردید به آن نگرستند و اعلام کردند که بشار اسد بایستی به حمایت خود از گروه‌های تروریستی خاتمه دهد و از لبنان عقب‌نشینی نماید؛ اما بشار اسد آن را نپذیرفت.

در فوریه ۲۰۰۳ انفجاری در تل‌آویو صورت گرفت. در پاسخ به این انفجار در ۵ اکتبر ۲۰۰۳، رژیم صهیونیستی‌ها حمله هوایی به آن‌چه که به‌عنوان اردوگاه آموزشی گروه‌های فلسطینی در سوریه تلقی می‌شد؛ انجام دادند که منجر به مرگ ۲۰ نفر شد. بوش از این اقدام رژیم صهیونیستی حمایت و آن را دفاع از خود دانست و اعلام کرد که رژیم صهیونیستی بایستی برای دفاع از خود تحت فشار قرار گیرد و در این زمینه محدود باشد. او بیان داشت که

ما نیز همان کار را انجام می‌دهیم (روحی، ۱۳۸۸: ۷۵). بعد از این جریان، بشار اسد رژیم صهیونیستی را یک دولت نامشروع و حتی نژادپرست‌تر از نازی‌ها دانست. این اظهارات بشار اسد باعث خشم و واکنش شدید جرج بوش شد و در پی آن احساسات ضد سوری نیز در میان یهودیان رژیم صهیونیستی و یهودیان آمریکایی افزایش یافت.

در زمینه روابط میان رژیم صهیونیستی و آمریکا دو دیدگاه مطرح است. یک دیدگاه از تابعیت محض رژیم صهیونیستی از ملاحظات و راهبردهای متنوع آمریکا سخن می‌گوید و تمامی کمک‌های واشنگتن به تل‌آویو را در جهت تأمین بالاترین سطوح منافع برای آمریکا قلمداد می‌کند و دیدگاه دیگر معتقد است که آمریکا در میان تدابیر ظریف و بنیادی رژیم صهیونیستی و گروه فشار آن محدود شده است. در این دیدگاه اهمیت رژیم صهیونیستی برای آمریکا بیش از آن‌که یک موضوع حیاتی در سیاست خارجی باشد، یک موضوع سیاست داخلی است؛ به این معنی که فشار لابی یهودی در آمریکا تصمیم‌گیرندگان این کشور را ناچار به حمایت از رژیم صهیونیستی می‌نماید. البته اهمیت رژیم صهیونیستی و جایگاه آن در راهبرد منطقه‌ای آمریکا این است که این کشور در خاورمیانه همانند نقش ژاپن در شرق آسیا، بریتانیا در اروپا برای آمریکا است و همانند دو کشور فوق رابطه با آن‌ها برای آمریکا ضروری است (ایمان‌پور، ۱۳۸۳: ۷۰). تضمین منافع و موجودیت رژیم صهیونیستی همواره از برنامه‌های غیرقابل تغییر آمریکا از ابتدای پیدایش این رژیم بوده است. با روی کار آمدن اوباما و شعار تغییر نیز تغییری در این امر صورت نگرفت. آمریکا خواهان نابودی پل ژئوپلیتیکی سوریه و از میان برداشتن روابط میان ایران و صف اول مقاومت (سوریه) به‌عنوان تضمین رژیم صهیونیستی است.

۴. حاکمیت رژیم صهیونیستی بر جولان

در ۵ ژوئن ۱۹۶۷، حمله رژیم صهیونیستی به مصر و سپس اردن آغاز شد. در ۹ ژوئن، پس از آنکه ارتش‌های مصر و اردن شکست خوردند؛ حمله زمینی در جبهه جولان آغاز شد. با سقوط شهر قنیطره ۱۲۶۰ کیلومتر از جولان اشغال شد. در این نبرد با اشغال کامل صحرای سینا از خاک مصر، نوار غزه، کرانه غربی رود اردن و بلندی‌های جولان، ۶۸۰۰ کیلومتر از خاک کشورهای همسایه رژیم صهیونیستی اشغال شد (موسوی، ۱۳۸۸: ۹-۸). ۲۱۸۰ کیلومتر از خاک سوریه در ۳۰ کیلومتری دمشق، در اشغال رژیم صهیونیستی بود. سرزمینی که ۶۰ درصد آب رژیم

صهیونیستی و هم‌چنین امنیت این رژیم را تأمین می‌کند. حاکمیت رژیم صهیونیستی بر جولان برتری فاحش استراتژیکی برای رژیم صهیونیستی به دنبال داشت. از جمله پایگاه ارتش این کشور را در ۳۵ کیلومتری دمشق، پایتخت سوریه، قرار داد. تسلط رژیم صهیونیستی بر منابع آبی منطقه از جمله رودخانه بانیا - یعنی شاخه عمده رودخانه اردن که ۱۴ هزار متر مکعب آب در ساعت از آن بدست می‌آید - تحقق بخشید (نهایزی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳) و نهایتاً فرصت‌های جدیدی برای اسکان یهودیان در منطقه فراهم آورد. از دیدگاه سوریه از دست دادن بلندی‌های جولان شدیداً این کشور را در برابر حمله زمینی رژیم صهیونیستی آسیب‌پذیر ساخت. چرا که این بلندی‌ها به‌عنوان سد دفاعی طبیعی در برابر حمله رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند. به علاوه کنترل رژیم صهیونیستی بر جولان از لحاظ دسترسی، منابع آبی برتری خاصی به رژیم صهیونیستی بخشید. هم‌چنین حاکمیت رژیم صهیونیستی بر منطقه، به‌معنای بی‌دفاع شدن شهروندان سوری در برابر رژیم صهیونیستی‌ها بود که مجبور به ترک منطقه شدند. براساس سیاست‌های رژیم صهیونیستی، تنها ۱۶ هزار نفر از ساکنین ۵ روستای عرب، در مقایسه با ۱۳۰ هزار نفری که در ۱۳۹ روستا تا قبل از سال ۱۹۶۷ زندگی می‌کردند، در منطقه باقی می‌مانند (برزگر، ۱۳۷۹: ۵۱).

جولان از نظر اقتصادی نیز اهمیت دارد. در حال حاضر، رژیم صهیونیستی ۴۰ شهرک یهودی‌نشین در این منطقه ایجاد کرده و به‌تدریج به انتقال یهودیان به شهرک‌های جدید ادامه می‌دهد. کارخانه‌های این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است و پیش‌بینی می‌شود بیش از دو میلیارد دلار درآمد توریستی در این منطقه در سال داشته باشد. اهمیت فرهنگی جولان کمتر از ابعاد اقتصادی و نظامی آن نیست. اهمیت فرهنگی جولان ارتباط تنگاتنگی با مساله هویت دارد. هویتی که رژیم صهیونیستی‌ها درصدد تحصیل و جعل آن هستند. رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد شکاف بین مسلمین است و دولت سوریه را به پاک‌سازی نژادی کردها متهم می‌نماید. در حالی که شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که در ژوئن ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی‌ها مسلمانان را در این منطقه آواره نمودند. نخستین اقدام آنان در فضای بعد از اشغال بلندی‌های جولان، اسکان یهودی‌ها در ۱۹۸۴ بود (بیات، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

رژیم صهیونیستی درصدد رویایی جدید است که بتواند نوعی شکاف عربی - کردی را در منطقه جزیره شامات به‌وجود آورد. سیاست‌های دولت بشار اسد و تاکید بر مقاومت در برابر توطئه‌های رژیم صهیونیستی ناظر بر همین رویکرد تفرقه‌افکنانه رژیم صهیونیستی است.

۵. هیدروپلیتیک

بررسی آب به‌عنوان یک عنصر طبیعی و عملکردهای سیاسی آن به‌ویژه در کشورهای خشک و نیمه‌خشک مطرح است. این اصطلاح، مترادف اصطلاح دیپلماسی آب است و به مسائل مربوط به آب شیرین قابل تجدید و استفاده از منابع آب و شکل‌گیری سیاست‌های جهانی آب می‌پردازد. آب ممکن است در آینده به یک حربه سیاسی مبدل شود و مطرح‌شدن مسائل آب در سطح سازمان ملل، نشانه‌ای از این موضوع است (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۳۰۳). جست و جو برای منابع آبی را محرک دولت‌ها برای تسلط بر منابع آبی می‌دانند. دولت‌ها در حوزه‌های مشترک آبی به طور جدی خواستار نگهداری آب هستند. این تلاش بیشتر از سوی کشورهای بالادست رودخانه‌ها که نیاز آن روز به روز افزون‌تر می‌شود، صورت می‌گیرد. این کشورها تلاش می‌کنند جریان آزاد رودخانه‌ها را قبل از عبور از مرزهای ملی محدود کنند. از هنگام آغاز تاریخ، جهان شاهد بروز کشمکش‌ها و حتی جنگ بر سر مالکیت و چگونگی بهره‌گیری از آب بوده که نتایج آن بر سیستم منطقه‌ای تأثیر گذاشته است. پس عجیب نیست که آب از جایگاه والایی در تمدن‌های باستانی و همین‌طور در سیاست‌های معاصر برخوردار باشد (پرز، ۱۳۷۶: ۱۷۶). آب را باید مقوله‌ای کاملاً سیاسی در خاورمیانه به‌طور عام و کشورهای عربی به‌طور خاص معرفی نمود. از حیث تاریخی، کم‌آبی عامل مهمی در ضعف دول و روی کار آمدن رژیم‌های اقتدارگرا در منطقه خاورمیانه داشته است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۶۸). بیان صریح شیمون پرز مبنی بر اهمیت جایگاه و نقش آب در تمدن بشری و روابط سیاسی منطقه، از آگاهی جنبش صهیونیستی به حساسیت استراتژیک آب حکایت می‌کند. به همین دلیل آب از همان ابتدا به‌عنوان یکی از ارکان امنیتی رژیم صهیونیستی مطرح بوده و حتی پیش از تأسیس رسمی این واحد سیاسی، از سوی صهیونیست‌ها به‌عنوان یک منبع حیاتی در معادلات کلان منطقه از آن بسیار یاد می‌شده است. مهم‌ترین اقدامات صهیونیست‌ها نسبت به این مایع استراتژیک ذیلاً تشریح می‌شوند. تعریف حدود امن از دیدگاه رژیم صهیونیستی در طول تاریخ به‌عنوان یک استراتژی برای تجاوزات بیشتر مطرح بوده و نسبت مستقیمی با مساله آب دارد. با مراجعه به نقشه‌های طراحی شده از حدود امن رژیم صهیونیستی و وضعیت منابعی چون رود اردن فیرموک، جبل الشیخ، بلندهای جولان و ... معلوم می‌گردد که به‌گفته وایزمن آب عنصر اساسی امنیت رژیم صهیونیستی بوده و رژیم صهیونیستی بدون به‌دست آوردن اهداف مورد نظرش در این زمینه، تن به جنگ و یا امضای

قرارداد صلح نمی‌دهد. علاوه بر این آرمان جاه‌طلبانه صهیونیسم برای تأسیس واحدی به نام رژیم صهیونیستی به گونه‌ای طراحی شده که مهم‌ترین منابع آبی را در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال مشاهده می‌شود که در کنفرانس بازل سوئیس تئودور هرتسل، یهودی اتریشی، در اولین کنگره جهانی در سال ۱۸۹۷ در مقام تشریح مرزهای دولت یهود، به مرزهای آبی استناد کرده و خواستار تأسیس کشوری یهودی ترجیحاً در فلسطین شده است (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۷۵۰-۷۴۹). بنیان‌گذاران و سیاست‌مداران رژیم صهیونیستی همیشه به گونه‌ای از منابع آبی منطقه سخن می‌گویند که بیانگر بعد معنوی و آرمانی آن است. بدین صورت که گویا هستی رژیم صهیونیستی در گرو گرفتن منابع آبی است که اساساً متعلق به آن‌ها بوده و غفلت از این سیاست، آرمان آن‌ها را نابود می‌سازد. این شیوه، حساسیت یهودیان را نسبت به وضعیت آب در منطقه افزایش داده و به آن صبغه دینی می‌بخشد. در این زمینه بنیان‌گذاران صهیونیست از ابتدای تأسیس و حتی قبل از آن به اهمیت و نقش آب در توسعه و پیشرفت منطقه آگاهی داشتند. آزر روبین از چهره‌های بنام رژیم صهیونیستی در ساختار سرزمین رژیم صهیونیستی یادآور شده، توسعه و بهبود اقتصادی عامل اصلی مهمی در توجه و جنگ رژیم صهیونیستی بوده است و عوامل اقتصادی ایجاب می‌کند که فلسطین به سمت شرق اقتدار پیدا کند تا این که منبع دیگری را بدست آورد (موجودیت رژیم صهیونیستی لبنان، ۱۳۷۵: ۱۴). در واقع استراتژی آب در رژیم صهیونیستی ارکان متعددی دارد. صهیونیسم از ابتدا تاکنون استراتژی کلان و واحدی را درباره آب اتخاذ کرده است. این استراتژی مبتنی بر تأمین امنیت آب می‌باشد (کیوان حسینی، ۱۳۷۵: ۳۱). در مجموع استراتژی آب رژیم صهیونیستی از همان ابتدا به سه رکن حمایتی، نظامی و دیپلماتیک استوار است که در نهایت به تأمین حداکثر منافع برای این رژیم منجر می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

حمایت‌های خارجی و در درجه اول حمایت قدرت‌های بزرگ از رژیم صهیونیستی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین منابع آبی این رژیم داشته است. در کنار دو رکن دیپلماتیک و نظامی حمایت‌های حقوقی، علمی، تبلیغی، رسانه‌ای، مالی و تخصصی نیز از این رژیم به عمل آمده است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۱۱۰). رژیم صهیونیستی به منظور تحصیل منافع آبی هرچه بیشتر هم از چهره‌های زور (جنگ) و هم از بعد پنهان (تهدید) بهره برده است. تکوین اولیه رژیم صهیونیستی بر پایه جنگ و تجاوز بوده، بنابراین این عامل در استمرار آن نیز نقش مؤثری دارد؛ به گونه‌ای که صهیونیست‌ها بیشتر به حل مشکلات خود از این طریق تمایل دارند. اما

با توجه به محدودیت‌هایی که برای اعمال زور عریان در سطح روابط بین‌الملل وجود دارد، رژیم صهیونیستی در مواقع بسیاری سعی کرده از اهرم‌های فشار و تهدید برای نیل به اهداف خود استفاده کند. این استراتژی در حوزه کشورهای عربی تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که از سوی برخی کشورهای عربی شاهد اعطای امتیازات ویژه‌ای به صهیونیست‌ها بوده‌ایم (حسینی و رضایی، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۵).

اولین مراحل چانه‌زنی برای آب از سال‌های اولیه مطرح‌شدن اسکان صهیونیست‌ها در فلسطین آغاز شد. طرح کمیسیون پل، گزارش پل، گزارش لوید، طرح لاودر میک، طرح هابز و طرح بانگر از اقدامات دیپلماتیکی هستند که در این راستا صورت گرفته است. دعوت به مذاکره و سازش از دیگر سیاست‌های رژیم صهیونیستی بوده است. رژیم صهیونیستی بعد از یک دوره تهاجم و سلطه بر اراضی و منابع آبی، اکنون در موقعیتی قرار دارد که بیش از جنگ، صلح و مذاکره می‌تواند در نیل به منابع آبی بیشتر به این رژیم یاری دهد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۴). عوامل متعددی باعث شده است که رژیم صهیونیستی را به پای میز مذاکره بکشاند. سیاست معامله و پنهان‌کاری هم یکی دیگر از رکن‌های رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهداف خود بوده است. از این دیدگاه معامله‌گری سران رژیم صهیونیستی را در سیاست خارجی آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. چرچیل به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم پس از مذاکراتی که با یهودیان داشت بیان کرد: یهودیان رسماً از من خواستند جنوب لبنان که رودخانه لیطانی در آن قرار دارد، به فلسطین ضمیمه شده و در مقابل، امکانات یهودیان در خدمت متحدین قرار گیرد (حسینی و محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۶۴). نمونه دیگر این پنهان‌کاری نشست‌های مخفیانه شاه حسین و نتانیا هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بود. یاسر عرفات نیز طی نشست‌های محرمانه‌ای که با شیمون پرز داشت، در نهایت توافقنامه‌ای را در گذرگاه ایرتزر در موضوع آب به امضا رساند که به موجب آن ۶۰ درصد از آب قنات‌های موجود در کرانه باختری به رژیم صهیونیستی و بقیه به تشکیلات خودگردان تعلق می‌گرفت (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۷). بنابراین در اختیار داشتن منابع آب در منطقه در افزایش توان رژیم صهیونیستی در مقابله با محور مقاومت نقش مهمی ایفا می‌کند و سبب می‌شود تا محور مقاومت به لحاظ استراتژیکی با بحران مواجه شود و آسیب‌پذیری آن را افزایش می‌دهد.

ژنوم‌های مؤثر بر سیاست خارجی سوریه

در این بخش ژنوم‌های ژئوپلتیکی مؤثر بر سیاست خارجی سوریه در ارتباط با منطقه و نحوه اثرگذاری آن بر جهت‌دهی سیاست خارجی این کشور در قبال رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. موقعیت استراتژیک

جمهوری عربی سوریه با جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون نفر و مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع هفتادمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود (سراج، ۱۳۹۰: ۵). این کشور دارای ۱۴ استان است. دمشق (پایتخت) حلب، درعا، حمص، سلمیه، لاذقیه، صیدنا یا از شهرهای مهم این کشور محسوب می‌شوند (پروین و قفقوزی بیلندی، ۱۳۹۱: ۳۹). سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی در این کشور شده است. این کشور قسمتی از سرزمین بزرگ شام است و به لحاظ موقعیت قرارگیری در منطقه استراتژیکی واقع شده است. سوریه در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع گردیده و از شمال با ترکیه از شرق با عراق و از جنوب با رژیم صهیونیستی و اردن، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم‌مرز است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۳). سال‌هاست سوریه در وضعیت بغرنجی در منطقه قرار دارد. رقابت ایدئولوژیکی دمشق با دولت بعث عراق، درگیری جنگ داخلی لبنان و بعدها در سیاست این کشور، اختلاف نظر با کردها و درگیری با رژیم صهیونیستی بر سر بلندهای جولان از جمله مشکلات این کشور در منطقه بوده است (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۷). مهم‌ترین عارضه ژئوپلتیک سوریه این است که در جوار مرزهای فلسطین اشغالی، یعنی قلب خاورمیانه و کانون معادلات چندمجهولی این منطقه واقع شده است. سوریه اصطلاحاً در محور مقاومت قرار دارد؛ این بدان معنی است که از گروه‌های جهادی فلسطین، مخصوصاً حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی حمایت مادی و معنوی می‌نماید (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۴) و همین امر سبب افزایش حساسیت در میان برخی کشورهای منطقه نسبت به این کشور شده است.

از سوی دیگر حادثه‌ترین مسائل و بحران‌های جهان در این منطقه روی داده‌اند و این منطقه

همواره خبرساز و توجه جهانیان را به خود جلب نموده است. جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، صلح خاورمیانه، درگیری آمریکا و عراق و اشغال این کشور توسط آمریکا و حمله عراق به کویت و... از حوادث مهم اثرگذار در قرن اخیر در این منطقه می باشد. همه این موارد نشان از راهبردی بودن این منطقه و اهمیت آن در جهان دارد. سوریه در اکثر این بحرانها دارای نقش محوری بوده است (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۷). به دلیل این اهمیت و نقش استراتژیکی که سوریه در منطقه برخوردار است؛ بسیاری از کارشناسان روابط بین الملل سوریه را بزرگترین کشور کوچک جهان می نامند.

از سوی دیگر واقع شدن سوریه بر کناره شرقی دریای استراتژیک مدیترانه بر اهمیت ژئوپولیتیک این منطقه افزوده است. این کشور حدود ۱۸۳ کیلومتر ساحل در کنار دریای مدیترانه دارد. وجود این سواحل، سوریه را به عنوان یک کشور حوزه مدیترانه و متأثر از تحولات آن قرار داده است. وجود سوریه در این منطقه در واقع پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به حساب می آید. سوریه از طریق خطوط لوله نفت در بندر نیاس، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می کند و یکی از مراکز مهم انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا به حساب می آید (خلدی، ۱۳۸۹: ۷۹). مسیر سوریه وابستگی عراق و ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی ترکیه تقلیل می دهد. این موقعیت باعث برانگیخته شدن حس رقابت ژئوپولیتیک ترکیه با سوریه گردیده است. مشابهت موقعیت ژئوپولیتیک سوریه با رژیم صهیونیستی سبب شکل گیری فرصت ها و تهدیدهای مشابهی برای دو کشور و برخورد منافع آنها با یکدیگر شده است. از دیگر فاکتورهای مهم در زمینه ژئوپولیتیک موقعیت جغرافیایی این کشور است. وسعت، شکل، وضع طبیعی، مرزها و وضعیت اقلیمی جملگی از مهم ترین عواملی هستند که باید در ارزیابی قدرت کشورها مورد توجه قرار گیرند. هریک از این فاکتورها بدون در نظر گرفتن مولفه های دیگر ناکارآمد است. سرزمین وسیع ضمن آنکه می تواند نیروی انسانی زیادی را در خود جای دهد، در دوران جنگ امکان عقب نشینی نیروهای نظامی را فراهم کرده و موقعیت تسخیرناپذیری به آن می دهد. سوریه یک کشور کوهستانی است، با توجه به اینکه سلسله کوه های سوریه بیشتر در حاشیه دریای مدیترانه می باشد؛ موقعیت استراتژیکی ویژه ای به ساحل غربی سوریه بخشیده است. ضمن اینکه دژ مستحکمی در برابر حملات دریایی به این کشور محسوب می شود.

۳. جایگاه سوریه در استراتژی صلح اسحاق رابین

رژیم صهیونیستی همواره به لبنان و خاک این کشور به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر نگریده است که به لحاظ امنیتی و ژئوپلیتیکی به ارتش و سازمان جاسوسی آن امکان مانور و فضای تحرک می‌دهد تا از این طریق به سوریه به عنوان متحد لبنان فشار آورد (معصوم‌زاده کیانی، بی تا: ۷۹). با آغاز دهه ۸۰، رقابت سوریه و رژیم صهیونیستی برای تسلط بر لبنان بالا گرفت و سرانجام سوریه به برتری یافت. سوریه هم‌چنان در جنگ لبنان کوشید تا با کسب قدرت نظامی لازم برای غلبه بر رژیم صهیونیستی توازن استراتژیک با اسرائیل برقرار کند. رژیم صهیونیستی حکومتی متجاوز و توسعه طلب است که درصد تسلط بر سرزمین‌های عرب و دستیابی به اراضی موعود، سرزمینی از نیل تا فرات است و برای رسیدن به آن می‌کوشد تا مانع پیشرفت فرهنگی و تکنولوژیک کشورهای عرب شده توان نظامی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها را درهم شکند تا هیچ قدرت عربی نتواند آن را تهدید کند (زیسر، بی تا: ۵۰۵). اما گرفتار شدن رژیم صهیونیستی در گرداب جنوب لبنان که سوریه در این منطقه نفوذ و قدرت فراوانی داشت؛ صلح را برای اسرائیل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر نمود. اگر رژیم صهیونیستی بتواند به نوعی، خطرات جانبی و تهدیدات امنیتی احتمالی را پیش‌بینی و پیش‌گیری نماید شاید چندان نیازی به عقد قرارداد صلح احساس نکند، اما به این نکته باید توجه داشت که بسیاری از رژیم صهیونیستی‌ها ضرورتی برای انعقاد قرارداد صلح با سوریه نمی‌بینند؛ زیرا آن‌ها معتقدند که در حال حاضر هیچ خطری رژیم صهیونیستی را تهدید نمی‌کند و وضعیت فعلی می‌تواند کماکان سال‌های متمادی استقرار یابد (علی‌خانی، ۱۳۷۹: ۱۰). اما تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای دستیابی به صلح با سوریه، گویای اهمیت برقراری یک صلح فراگیر میان اعراب و رژیم صهیونیستی است که این امر جز از طریق سازش با سوریه برای مقام‌های رژیم صهیونیستی میسر نیست (معصوم‌زاده کیانی، بی تا: ۸۱). سوریه تنها کشور عربی است که در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی نقش مستقلی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند.

درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه به دلایل نظامی و استراتژیک در منطقه است. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه تنها ارتش کلاسیک عربی هستند که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو مقامات رژیم صهیونیستی، سوریه را به عنوان تهدید استراتژیک به حساب می‌آورند. در واقع تمایل سوریه برای مذاکره با رژیم صهیونیستی را

می‌توان معلول دو علت دانست: ۱- تحول جدیدی که در جهان عرب نسبت به امکان همزیستی با رژیم صهیونیستی پیش آمد. ۲- امیدواری حافظ اسد به امکان باز پس‌گیری بلندهای جولان پس از سال‌ها ناامیدی (زیسر، بی‌تا: ۵۵۹). رژیم صهیونیستی از این صلح به دنبال دستیابی به نظام امنیتی پایدار، حل معضل مخالفت‌های بنیادگرایانه، دستیابی به توان اقتصادی و احاده حیثیت بین‌المللی است. اما به نظر می‌رسد رژیم رژیم صهیونیستی آماده پرداخت هزینه زیاد برای رسیدن به این صلح نباشد (علیخانی، ۱۳۷۹: ۱۱). مخالفت سوریه با سیاست‌های آمریکا در منطقه و همسویی آن با جریان مقاومت اسلامی، به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی و مخالفت با طرح‌های صلح عربی در مساله فلسطین منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا شده است. به همین دلیل و بنا بر اهمیت راهبردی سوریه سناریوی تولید بی‌ثباتی با هدف گرفتن امتیاز و تغییر ساختار سیاسی سوریه، در دستور کار جبهه مخالف مقاومت اسلامی قرار گرفته است (پورصادق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷). لذا نحوه نگرش به فرآیند صلح و مطالبات متناقض از عوامل واگرایی سیاست خارجی سوریه و رژیم صهیونیستی بوده است.

۴. ساخت اجتماعی در سوریه

در جامعه سوریه نیز احزاب و فرهنگ‌های سیاسی مختلفی از اسلام‌گرایی تا پان‌عربیسم و لیبرالیسم حضور داشته‌اند. به‌طورکلی احزاب سیاسی سوریه را می‌توان به احزاب حکومتی و احزاب مخالف تقسیم کرد (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۹). حدود ۹۰ درصد از جمعیت ۲۰ میلیونی سوریه، عرب زبان‌اند و ساختار اجتماعی آن شامل عرب‌ها، غیر عرب‌ها (کردها، ارامنه، ترکمن‌ها و قفقازها) می‌باشد. از نظر مذهبی نیز به مسلمانان سنی علوی، دروزی‌ها و مسیحیان تقسیم می‌شوند. اعراب در همه نواحی سوریه زندگی می‌کنند؛ اما اعضای اقلیت قومی و مذهبی سوریه معمولاً در یک یا دو ناحیه متمرکز شده‌اند. کردها که بزرگ‌ترین اقلیت قومی سوریه محسوب می‌شوند؛ عمدتاً در ناحیه جزیره در شمال شرق سوریه سکونت دارند. در بحران سوریه نارضایتی اقلیت‌ها از دولت مرکزی و تحریکات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یکی از نقاط آسیب‌زای سیاست خارجی سوریه بود. از سوی دیگر کم‌وکیف جمعیت اعم از دوران صلح یا جنگ در موقعیت دولت در عرصه سیاست بین‌الملل نقش مؤثری دارد، به گونه‌ای که کم‌وکیف جمعیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند (قوام، ۱۳۷۰: ۱۵۳). برتری جمعیت سوریه نسبت

به جمعیت رژیم صهیونیستی یک امتیاز مثبت در منطقه‌ای است که یک نزاع قدیمی و ریشه‌دار میان اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته است. هر چند بیشتر جمعیت سوریه در قسمت غربی در حاشیه ساحل دریای مدیترانه و مرز لبنان مسقر هستند و قسمت‌های مرکزی و جنوبی به علت کویری خالی از سکنه می‌باشد که این امر ضریب آسیب پذیری را تا حدی بالا ببرد.

۵. تحولات سوریه و راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال آن

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در چند سال گذشته عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی قابل توجهی شده است که پایه‌های ساختار سیاسی و فضای فرهنگی آن‌ها را به شدت دگرگون کرده است.

از عوامل مهمی که در بروز حوادث اخیر سوریه تأثیر داشته است، می‌توان به تک حزبی بودن و عدم برگزاری انتخابات آزاد در این کشور، فشارهای بیش از حد سیستم‌های امنیتی به مردم و برخی از نخبگان مذهبی، فساد اقتصادی موجود در بدنه حاکمیت نظام و وجود فقر، بی‌ثباتی سیاسی و رفت و آمدهای سریع کابینه‌ها بود؛ به گونه‌ای که این کشور به سرزمین کودتا معروف شد. بی‌ثباتی در سوریه علاوه بر مداخلات خارجی، ریشه در بافت جمعیتی این کشور داشت (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۷). بیشتر مردم سوریه خواهان انجام اصلاحات در حکومت می‌باشند، اما نه به قیمت براندازی نظام فعلی به ریاست بشار اسد (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۳). بیداری اسلامی کلید واژه مناسبی برای این دگرگونی‌ها است. بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و ام‌دار پارادایم مقاومتی است که متشکل از یک سازه سه بعدی شناختی، پست مدرنیستی، پسااستعمارگری و انقلاب اسلامی است که ژئوکالچر جدیدی در برابر هژمونی لیبرال دموکراسی جهان غرب محسوب می‌شود (قزل‌سلفی و فرخی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۰ میلادی در کشور تونس شروع و در ژوئای ۲۰۱۱ به سوریه کشیده شد. این جنبش ظرف مدت کوتاهی فضای غیردموکراتیک منطقه را تغییر داد و دولت‌های همسو با کشورهای محافظه‌کار منطقه را بدست مردم ساقط کرد. اما تحولات در سوریه به گونه‌ای پیش رفت که تکفیری‌ها برای از بین بردن قدرت بشار اسد گرد هم آمدند همین امر توجه مقامات دولتی و امنیتی اسرائیل را به تحولات اخیر سوریه جلب نموده است. مخالفت سوریه با سیاست‌های آمریکا در منطقه و همسویی آن با جریان مقاومت اسلامی، به رسمیت نشناختن اسرائیل و مخالفت با طرح‌های

صلح عربی در قضیه فلسطین منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا و متحد آن یعنی اسرائیل شده است. به همین دلیل و بنابر اهمیت راهبردی و رویکرد سیاسی سوریه باعث شده است که سناریوی تولید بی ثباتی با هدف گرفتن امتیاز و تغییر ساختار سیاسی سوریه، در دستور کار جبهه مخالف مقاومت اسلامی قرار بگیرد (پور صادق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷) امنیت ملی اسرائیل که به طور سنتی مترادف با راهبرد نظامی کشورهای متخاصم عربی و غیر عربی خاورمیانه تعریف گردیده است. با تحولات پدید آمده در منطقه خاورمیانه نه دولت اسرائیل در اتحاد با آمریکا که دارای منافع مشترکی می باشند سعی بر آن دارند تا از قدرت گرفتن نیروهای تندرو مذهبی در سوریه و دیگر نقاط خاورمیانه جلوگیری نماید (جعفری، ۱۳۸۹، ۱۱۳، ۱۸۶-۱۱۳) بنابراین در اثر نفوذ داعش در کشورهای اسلامی، حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی از لحاظ سیاسی و امنیتی در جهان اسلام افزایش یافت و برای رژیم صهیونیستی به یک فرصت تبدیل شد. اساس و موجودیت این رژیم بر پایه جنگ افروزی استوار است؛ بنابراین ایجاد و دامن زدن به جنگ‌های طایفه‌ای و درگیری شیعه و سنی، سرگرم کردن کشورها به مشکلات داخلی در کشور سوریه از جمله طرح‌ها و برنامه‌های این رژیم برای حفظ امنیت خود در این منطقه بود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۷). ظهور نیروهای تکفیری داعش در کشور سوریه و عراق باعث شد این کشورها امکانات خود را در راستای مقابله با این تهدید جدید به کار ببرند و این امر موجب مغفول ماندن آن‌ها در کوتاه مدت از تهدید اصلی یعنی رژیم صهیونیستی گردیده است. در واقع گروه نوسلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت نقش ایفا می‌کند. افزون بر این، عملکرد داعش و گروه‌های سلفی - تکفیری باعث رشد تضاد امت اسلامی با رژیم صهیونیستی به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی شده است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷). در واقع خود دگرسازی و تشدید دشمنی میان اهل سنت و تشیع در جهان اسلام از نتایج رشد گروه‌های تکفیری بوده است (حمیدی و زنگنه، ۱۳۹۶: ۱۰۸). راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در ابتدا ایفای نقش در پس پرده و سکوت درباره سوریه بود تا اینطور به نظر نرسد که معارضان سوری با رژیم صهیونیستی ارتباط دارند.

حمله رژیم صهیونیستی به سوریه که که در سه نوبت انجام شد و بیشتر ذخایر تسلیحات ارتش سوریه را هدف قرار داد، همکاری رژیم صهیونیستی با گروه‌های تروریستی را اثبات کرد (قمی، ۱۳۹۲: ۲۰). رژیم صهیونیستی دو مأموریت مهم در فضای پنهان صحنه سوریه پیگیری

می‌کند. ۱. تخریب زیر ساخت های نظامی و امنیتی سوریه ۲. ترور و حذف چهره‌های نظامی و امنیتی کلیدی این کشور. بنابراین تضعیف سوریه بر مبنای تضعیف موقعیت ژئوپلتیکی این کشور در منطقه و تقویت موقعیت ژئوپلتیکی رژیم صهیونیستی به‌ویژه در حوزه ژنوم آب در راستای تضعیف محور مقاومت از جمله محورهای تحرکات ژئوپلتیکی این کشور در منطقه است.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه‌ساز یکی از راهبردی‌ترین چالش‌های امنیتی در خاورمیانه شده و پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به همراه داشته است. آنچه باعث تعمیق دامنه بحران در این کشور شده از نقش‌آفرینی مستقیم و غیرمستقیم بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در تحولات میدانی سوریه ناشی می‌شود. در این راستا، رژیم صهیونیستی به‌دلیل موقعیت ژئوپلتیکی سوریه کنش قابل توجهی در بحران سوریه داشت. مسئله ژنوم‌های ژئوپلتیک فاکتور مهمی برای امنیت رژیم صهیونیستی می‌باشد؛ لذا رژیم صهیونیستی با بحرانی کردن منطقه، شکستن خط مقاومت و بحران سوریه را دامن می‌زند تا منافعش در منطقه تثبیت شود. ژنوم‌های موثر بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه را می‌توان موقعیت استراتژیکی این کشور، مساله کپیوترها، لابی صهیون، منطقه جولان و هیدروپلتیک دانست. در مقابل ژنوم‌های موثر بر سیاست خارجی سوریه در موقعیت استراتژیکی، استراتژی صلح اسحاق رابین، ساخت اجتماعی می‌باشد. در این میان ژنوم هیدروپلتیک مهم‌ترین ژنوم در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه می‌باشد.

در آغاز قرن ۲۱ در جهان معضل کمبود آب، بیش از هر زمان دیگری، به‌عنوان مسئله‌ای بین‌المللی رخ نموده و در کنار عناصر استراتژیکی دیگری هم چون نفت، ارزش امنیتی پیدا کرده است. رژیم صهیونیستی در پنج دهه گذشته، همواره در پی دستیابی به منابع آبی، حتی در سرزمین همسایگان خود بوده است. جنبش صهیونیستی حتی پیش از اشغال فلسطین و تشکیل رژیم صهیونیستی به اهمیت آب پی برده بود. آب در امنیت ملی و سیاست دفاعی رژیم صهیونیستی اهمیت ویژه‌ای دارد. بر این اساس آب و مساله زمین به‌عنوان نیاز حیاتی و منابع استراتژیکی از عوامل اصلی جهت‌دهنده سیاست دفاعی و امنیتی این رژیم است. از این رو

یکی از ژنوم‌های مؤثر بر سیاست خارجی سوریه و رژیم صهیونیستی هیدروپلیتیک است. در خاورمیانه معضل آب موجب مشاجرات زیادی بوده و در آینده نیز خواهد بود. به طوری که برخی از تحلیل‌گران جنگ آینده در خاورمیانه را بر سر آب می‌دانند. هیدروپلیتیک خاورمیانه به شدت تحت تأثیر قدرت‌های خارجی و رژیم صهیونیستی می‌باشد. آب از جهت ایدئولوژیکی، امنیت، بقا و توسعه پایدار برای رژیم صهیونیستی دارای اهمیت زیادی است و عامل بقای این رژیم و یکی از عناصر قدرت آن می‌باشد. استراتژی آبی این رژیم بر سه رکن حمایتی، نظامی و دیپلماتیک استوار است. این استراتژی در نهایت، به تأمین منافع ملی منجر شده است. سه رکن این استراتژی به گونه ای است که هم دیگر را تکمیل می‌کنند. حقیقت آن است که رویکرد صلح و جنگ دوروی استراتژی امنیتی آبی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند و بدون شک آب یکی از متغیرهای تأثیرگذار در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی است.

منابع

۱. آقابخششی، علی اکبر؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، ویرایش ششم: تهران: چاپار.
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ ویسی، سارا (۱۳۹۱)، «نگاهی گذرا بر قدرت یابی علویان سوریه»، اخبار شیعه، ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان، سال هشتم، شماره ۸۴ و ۸۵، آبان و آذر صص ۳۲-۲۳.
۳. اشرف نظری، علی؛ السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «ازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)»، علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸، زمستان.
۴. افتخاری، علی اصغر (۱۳۷۹)، «اسرائیل و بحران آب (۳)»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، شماره سوم.
۵. استیری، جان (۱۳۸۰)، «نقش گروه‌های فشار در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، ترجمه حجت رسولی، مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد نهم، صفحات ۷۰-۴۱.
۶. امیری، مجتبی (۱۳۸۲)، نظریه برخورد تمدن‌ها، تهران: دفتر انتشارات مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. ایمان‌پور، عباس (۱۳۸۳)، «جایگاه فرایند صلح خاورمیانه در سیاست خارجی ایران و آمریکا»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان، صفحات ۷۶-۵۵.
۸. برزگر، کیهان (۱۳۷۹)، «ارزیابی مواضع لیکود در روند مذاکرات صلح سوریه»، مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل شناسی آمریکا شناسی، جلد چهارم، صفحات ۶۰-۴۷.
۹. بیات، حمید (۱۳۸۷)، «نقش بلندهای جولان در آینده گفت‌وگوهای سوریه و رژیم صهیونیستی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، صفحات ۱۰۹۱-۱۱۰۸.
۱۰. پرز، شیمون (۱۳۷۶)، خاورمیانه جدید، ترجمه عدنان فاروقی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
۱۱. پورقمی، ناصر (بی‌تا)، «اعراب و جامعه اسرائیل»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۲. پور صادق، ناصر؛ علوی وفا، سعید؛ خراشادی زاده، محمد رضا (۱۳۹۱)، «تبیین برهم کنش گران تأثیرگذار بر امنیت ملی سوریه با استفاده از نقشه شناختی فازی»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۷، سال دوازدهم، پاییز، صفحات ۱۳۴-۹۵.
۱۳. تیلور، گری (۱۳۹۲)، ایدئولوژی و رفاه، ترجمه حسین محقق‌کی کمال و مهدی نصرت آبادی، تهران: نشر جامعه شناسان.
۱۴. جعفری، علی اکبر (۱۳۸۹)، منافع استراتژیک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۵. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۶. حسینی، حسین و محمد رضایی، مجتبی (۱۳۸۴)، «جایگاه آب در سیاست دفاعی و امنیتی رژیم اشغال‌گر قدس»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان، ۹۰-۵۱.
۱۷. حمیدی، سمیه؛ زنگنه، پیمان (۱۳۹۶) «تبارشناسی دگرستیزی گروه‌های افراطی-تکفیری: گذار از دیگر دگرسازی به خود دگرسازی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان، صفحات ۱۸۴-۱۶۱.
۱۸. خلدی، احمد (۱۳۸۹)، روابط سوریه و ایران، تهران: مؤسسه مطالعاتی اندیشه سازان.
۱۹. خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بن‌مایه‌های دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: سوم اسفند.
۲۰. خیراله، پروین؛ فقفوزی بیلندی، محمد صاق (۱۳۹۱)، «اجرای حق تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها: مطالعه موردی سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق بشری، صفحات ۷۰-۳۷.
۲۱. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۷)، کتاب سبز سوریه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۲. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران: سمت.
۲۳. روحی، مجید (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه بعد از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار، صفحات ۸۸-۵۵.
۲۴. رنجبران و همکاران (۱۳۹۳)، جریان‌شناسی داعش: چیستی‌ها و شاخصه‌ها و راهکارهای

- مواجه، تهران: انتشارات سخنوران، مطالعات فرهنگی بین المللی.
۲۵. زیسر، آیل (بی تا)، سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح، گروه تحقیق و بررسی مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، فصلنامه خاورمیانه، ۵۶۳-۵۴۶.
۲۶. سراج، رضا (۱۳۹۰)، «نگاهی به تحولات سوریه»، پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان.
۲۷. علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۹)، «سوریه - اسرائیل نزاع بر سر صلح»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی آمریکا شناسی، جلد سوم، صفحات ۲۸-۱.
۲۸. کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۷۵)، «استراتژی منابع آبی رژیم صهیونیستی»، مجله مصباح، سال پنجم، شماره ۱۷، ۴۴-۲۹.
۲۹. قربانی نژاد، ریواز و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلیتیک»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم شماره ۷۰، بهار، ۲۹۱-۲۶۵.
۳۰. قزلسلی، محمدتقی؛ فرخی سمیه (۱۳۹۲)، «پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه»، فصلنامه جهان اسلام، شماره ۲، پاییز، صص ۱۳۹-۱۶۰.
۳۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ هفتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳۲. قمی، محسن (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر تحولات اخیر کشورهای حوزه بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، زمستان، شماره ۳۵، صفحات ۲۴-۹.
۳۳. موجودیت اسرائیل در لبنان (۱۳۷۵)، بخش بررسی اداره مرکزی امنیت حزب اله لبنان، کتابخانه پژوهشگرده مطالعات راهبردی تهران، یادداشت شماره ۱۳ک.
۳۴. موسوی زاده، سید علی (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و ریشه شناسی بحران سوریه»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگیان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ش ۲.
۳۵. نجات، سید علی (۱۳۹۴)، «گروهک های تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش ها و فرصت»، فصلنامه سیاسی، سال دوم، شماره ششم، تابستان، ۱۱۹-۱۰۳.
۳۶. نصری، قدیر (۱۳۸۴) «نفت و معمای امنیت در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره هفتم، صفحات ۳۱-۲۹.
۳۷. نهازی، غلام حسین (۱۳۷۸)، «بحران آب در خاورمیانه»، مرکز پژوهش های و مطالعات

استراژیک خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، صفحات ۳۰-۱۵.

۳۸. نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبد شکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب (ریشه ها، پیامدها، اندیشه ها)، تهران: میزان.

۳۹. نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «نقش بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان، صفحات ۱۳۵-۹۷.

۴۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.

۴۱. موسوی، سید حسین (۱۳۸۱)، «بلند های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان، شماره مسلسل ۴۴، صفحات ۱۷۹-۱۵۱.

۴۲. هنسن، برت؛ پیترتافت و آندره ویول (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی قدرت از دست رفته، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.